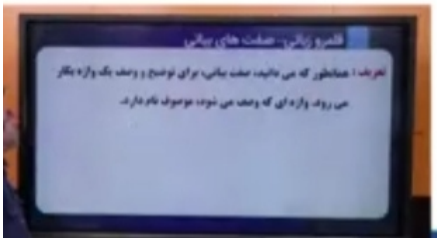
قلمرو زبانی- صفت های بیانی

تعریف : همانطور که می دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه بکار می رود. واژه ای که وصف می شود، موصوف نام دارد.



قلمرو زبانی- صفت های بیانی

تعریف : همانطور که می دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه بکار می رود. واژه ای که وصف می شود، موصوف نام دارد.

لباس پوشیدنی　　مرد شکست ناپذیر　　دانش‌آموز تهرانی

راه نرفته　　بچه های دونده　　شهروند کارگر

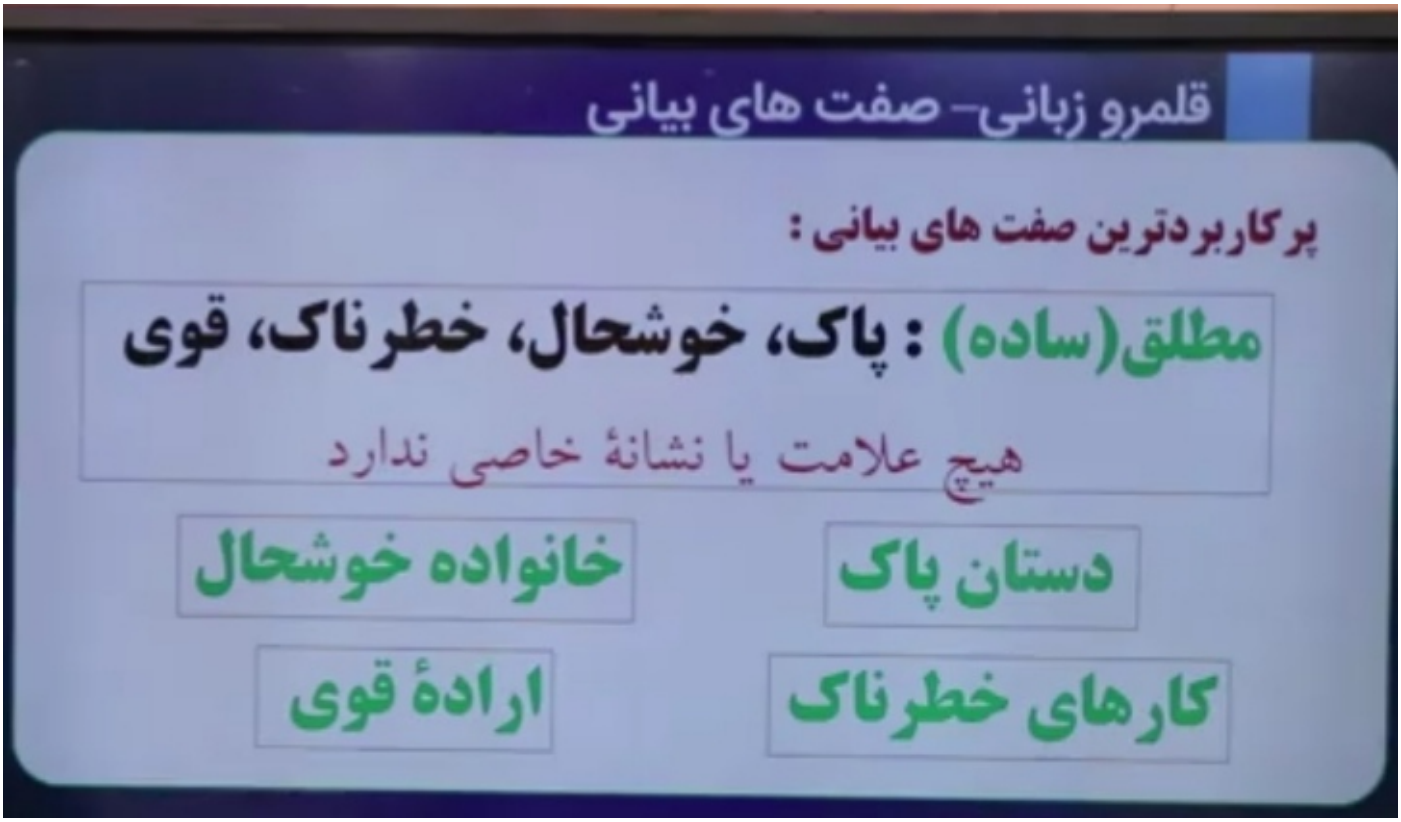
قلمرو زبانی- صفت های بیانی

تعریف : همانطور که می دانید، صفت بیانی، برای توضیح و وصف یک واژه بکار می رود. واژه ای که وصف می شود، موصوف نام دارد.

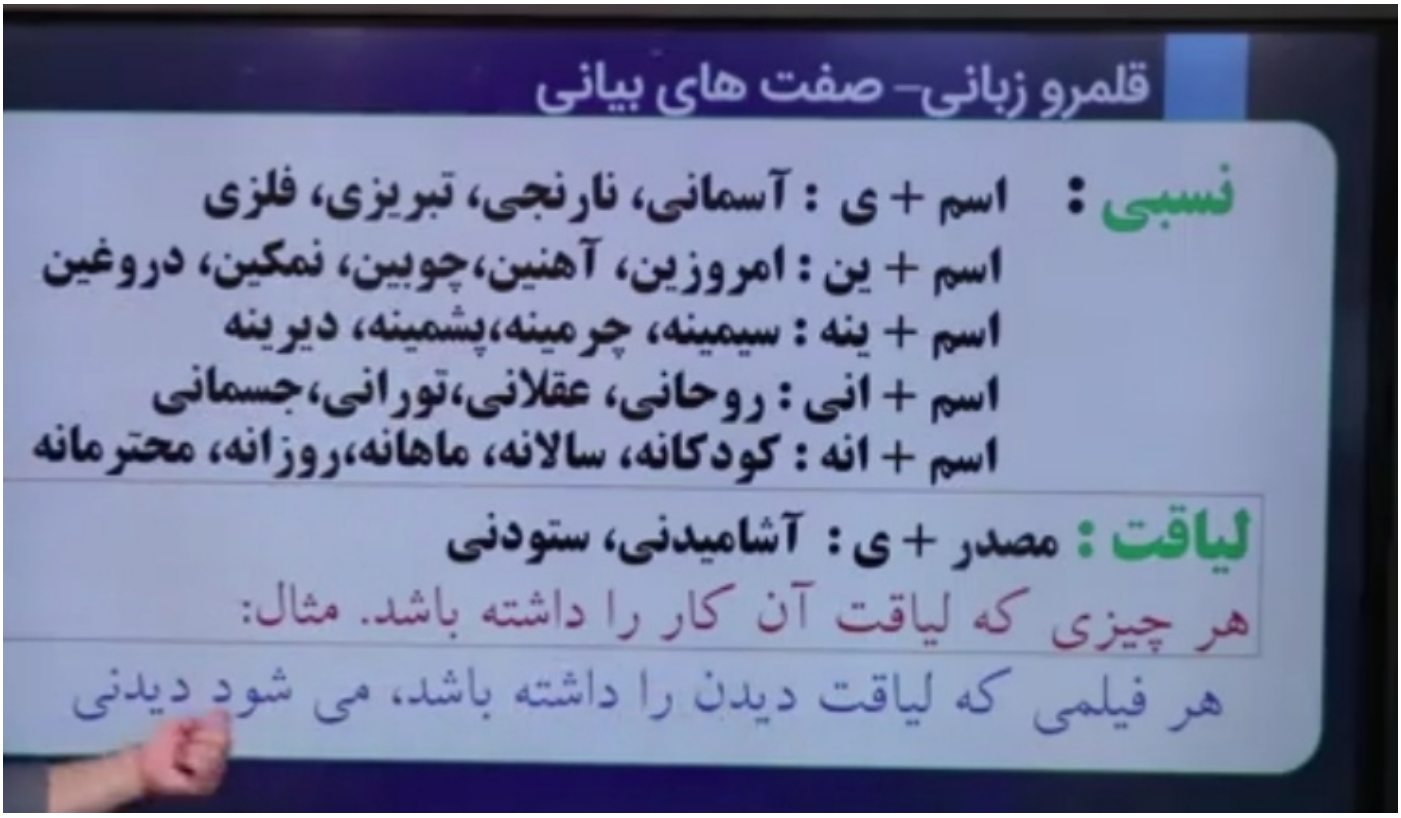
لباس پوشیدنی　　مرد شکست ناپذیر　　دانش‌آموز تهرانی

راه نرفته　　بچه های دونده　　شهروند کارگر

دقت داشته باشیم که صفت های بیانی انواعی دارد و وابسته پسین محسوب می شوند.


قلمرو زبانی- صفت های بیانی
پرکاربردترین صفت های بیانی :
مطلق(ساده) : پاک، خوشحال، خطرناک، قوی
هیچ علامت یا نشانهٔ خاصی ندارد
دستان پاک
خانواده خوشحال
کارهای خطرناک
ارادهٔ قوی


قلمرو زبانی- صفت های بیانی
پرکاربردترین صفت های بیانی :
صفت مفعولی : بن ماضی + ه : پرورده، شکسته
مصدر بدون «ن» پایانی + ـه = خسته ، رفته، برده، پوشیده
ورزشکار خسته
مسافر رفته
بازی برده
لباس پوشیده


قلمرو زبانی- صفت های بیانی
نسبی :
اسم + ی : آسمانی، نارنجی، تبریزی، فلزی
اسم + ین : امروزین، آهنین،چوبین، نمکین، دروغین
اسم + ینه : سیمینه، چرمینه،پشمینه، دیرینه
اسم + انی : روحانی، عقلانی،تورانی،جسمانی
اسم + انه : کودکانه، سالانه، ماهانه،روزانه، محترمانه
لیاقت : مصدر + ی : آشامیدنی، ستودنی
هر چیزی که لیاقت آن کار را داشته باشد. مثال:
هر فیلمی که لیاقت دیدن را داشته باشد، می شود دیدنی

قلمرو زبانی- صفت های بیانی

فاعلی : بن مضارع + – نده : سازنده، درخشنده، جوینده، رونده ...
بن مضارع + ا : گویا، کوشا، جویا، روا، بینا، دانا ...
بن مضارع + ان: خندان، تابان، روان، گریان، خواهان...

بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار، آموزگار، کردگار
بن ماضی + ار : خریدار، خواستار، رفتار، خریدار، شنیدار

اسم / بن / صفت + گر: زرگر، توانگر، روشنگر، آرایشگر، رفتگر،
اسم / صفت + بن مضارع: خداشناس، راستگو، دوربین، روان شناس

سخن آخر

خدایا چنان کن سرانجام کار / که تو خشنود باشی و ما رستگار